



نگاهی بر اثر تاریخی - پژوهشی «شهید و شهادت در ادب فارسی»

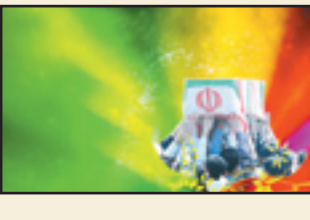
شعر شهادت، از مشروطه

تا انقلاب اسلامی

■ دکتر مصطفی ندیم



قبل از شروع طرح مضمون شهادت‌فرار بر این بود که محدوده زمانی این پژوهش از دوره مشروطیت تا انقلاب اسلامی ایران باشد، اما پس از تصویب طرح، نظر مسئولان آن شد که سال‌های بین ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ که در بیشتر آن مدت، جنگ مهم‌ترین مسئله مملکت و بالطبع جامعه ایرانی و از جمله فرهنگ و ادبیات بوده است نیز به طرح اصلی افزوده شود، در حالی که زمان طرح افزایش نیافت. هر چند می‌دانستم تهیه اشعار چند ماه طول می‌کشد و وسعت و محدوده کار بسیار است، اما واقعاً آنکه ادای دین هر چند کوچک‌نسبت به خیل شهدا،به‌ویژه شهدای جنگ تحمیلی که خود از نزدیک با بعضی از آن عزیزان مانوس و رفیق بودم، بزرگ‌ترین مشوق من در این کار شد. پس از بررسی و مطالعه بیش از هزار جلد کتاب که در بسیاری از آنها هیچ اشاره‌ای به مضمون شهادت نشده بود، بیش از ۲ هزار فیش از شعرای مختلف تهیه شد. پس از تهیه فیش‌ها بر اساس محدوده زمانی به ترتیب از مشروطیت تا سال ۱۳۲۰، از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ و از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ تقسیم‌بندی شد. از بین تعداد زیاد فیش‌ها اگر چه همگی در این محدوده زمانی قرار می‌گرفتند، اما تعداد و موضوعات آنها به اندازه‌ای بود که می‌شد از بین آنها فصول جداگانه‌ای را باز کرد. در نتیجه غیر از اشعار این دوره قسمت‌های اشعار شهید، اشعاری که برای شهدا سروده شده است، اشعاری که به‌طور غیرمستقیم به شهادت اشاره دارند، اشعاری که در رثای ائمه و بزرگان دین و اشعاری که برای شخصیت‌ها و وقایع خاص سروده شده‌اند، از فیش‌ها جدا و در فصول جداگانه‌ای بررسی کردیم. هر بخش ابتدا خلاصه‌ای از تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره بیان شد. سپس به ویژگی‌های ادبی آن دوره اشاره شد و بالاخره اشاعر شعر تحلیل و بررسی شدند. باین توضیحات باز هم تذکر چند نکته مهم در اجرای



این تحقیق را به خوانندگان محترم لازم می‌دانم.

۱.در تهیه فیش‌ها کتاب‌های زیادی بررسی شدند، اما می‌دانیم هستند کتاب‌هایی که چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن در تهران یا شهرستان‌ها از شاعران معروف و ناشناخته به چاپ رسیده‌اند، اما اکثرشان حجم کمی دارند و از آن مهم‌تر در تیراژی‌های کم منتشر شده‌اند. حتی در مواردی می‌دانستیم کتابی با نام خاصی وجود دارد، اما هرگز نتوانستیم آن را بیابیم. هر چند که شاید در صورت دسترسی در آن مضمون شهادت وجود نداشت.

۲.معیار ما در انتخاب اشعار، اشعار چاپ شده در کتاب‌ها بود نه روزنامه‌ها یا مجلات ادواری، در حالی که اشعار زیادی با مضمون شهادت در روزنامه‌ها و مجلات، به‌ویژه در طول جنگ به چاپ رسیده‌است که بررسی آن خود به تحقیق جداگانه‌ای نیاز دارد. دیگر اینکه منظور ما از اشعار تنها کلاسیک بوده است و در این طرح با اشعار نو کاری نداریم.

۳.متأسفانه بعضی از اشعار تاریخ ندارند و در مجموعه اشعاری که پس از تاریخ ۱۳۶۸ به چاپ رسیده‌اند، نوشته شده است. بدین لحاظ از روی موضوع و محتوای شعر با حدس تاریخ آن را مشخص کردیم که در صورت اشتباه پوشش ما را آید پرید.

۴-مضمون بعضی از اشعار متعلق به شاعران مختلف به یکدیگر بسیار شبیه بودند، در نتیجه در تحلیل این اشعار به جزئیات آنها پرداخته نشد و تنها ویژگی‌های اصلی شعر را بیان کردیم.

۵.از آنجا که هدف از بیان تاریخ سیاسی و اجتماعی هر دوره آشنایی مختصر خواننده با وضعیت سیاسی و اجتماعی آن عصر است، این قسمت در نهایت ایجاز نوشته شده است. در غیر اینصورت حجم کتاب بیشتر از این می‌شد و از موضوع اصلی دور می‌شدیم. در مورد ویژگی‌های عزیزی که بنا به‌نهایت تواضع یا باوری مختلصانه با این حال نمی‌توان گفت موضوع و مطلب عمده‌ای از قلم افتاده است.

۶.بیشتر شاعران دوره مشروطیت با دوره اول به‌لوی یکی هستند و ما تنها از ایشان در بخش مشروطیت نام برداهیم.

۷-طرح اصلی در بیش از هزار و ۵۰۰ صفحه به دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید ارائه شد که از بین این حجم زیاد برگزیده‌ای از اشعار برای چاپ انتخاب شد. مجری طرح حذف اشعار برخی از شاعران را گفتند رابه معنای بی‌ارزش دانستن آن اشعار نمی‌دانند. در اجرای این طرح بر خود فرض می‌دانم از تمامی همکاران عزیزی که بنا به‌نهایت تواضع یا باوری مختلصانه به مقام شهید زحمت تهیه و تدوین این مجموعه را کشیدند تشکر کنم.



گذری بر پیامدهای انتصاب آیت‌الله خامنه‌ای توسط امام به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مدیریتی که تنش‌ها را از بین برد

◆ **محمدجواد صاحبی**



خامنه‌ای را به جای وی منصوب کردند. اندکی بعد شورای انقلاب نیز طی حکمی ایشان را به سر رستی این نهاد برگزید. از دستاوردهای این دوره از مدیریت سپاه، کاهش برخی جناح‌بندی و چنددستگی‌ها در این نهاد انقلابی بود که محصول مدیریت پیش از ایشان به شمار می‌رفت. وجود این پیشینه از شمنده موجب شد تا اشتغال نظامی آیت‌الله خامنه‌ای گماکان به صورت‌های گوناگون تداوم یابد و آثار ارجمند آن بیشتر تبلور یابد. این انتصاب اما، خالی از برخی بازتاب‌ها و پیامدها نبود که لازم است شاهدان این رویداد به روایت آن بپردازند. آنچه پیش‌روی دارید، خاطرات آقای محمدجواد صاحبی از برخی حواشی این رویداد است که برای آغازین بار روایت شده است. آقای صاحبی از اعضای اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از متولیان نخستین مجله «پیام انقلاب» ارگان این نهاد انقلابی به شمار می‌رود و از فعل و انفعالات داخلی این نهاد خاطراتی شنیدنی دارد.

■ ■ ■

■ **ابوشریف و شیوه گزینش نیرو در سپاه**
در آغاز سخن، اگر بخواهم از سامان دهنندگان اولیه سپاه نام ببرم، باید به آقای ابوشریف اشاره کنم. ابوشریف اصالتاً اهل دماوند و اسم واقعی‌اش عباس آقازمانی بود. او ابتدا در کنار افرادی چون آقایان سید کاظم بجنوردی، محمدجواد حتی کرمانی، ابوالقاسم سرحدی‌زاده و… عضو حزب ملل اسلامی بود و بعد از دستگیری حزب و اعلام انحلال آن به همراه برخی از دوستان حزب‌الله را تشکیل دادند. وی مدتی دستگیر شد و در زندان به‌سر برد و پس از آزادی از زندان به خارج از کشور فرار کرد. در فلسطین و لبنان در مبارزات ضد صهیونیستی شرکت می‌کرد و در آستانه پیروزی انقلاب به ایران بازگشت و چون سابقه کار نظامی در فلسطین و لبنان را داشت، به عنوان فرمانده عملیات منصوب شد. وی نقاط قوت



محمد جواد صاحبی: کم و بیش

تنش‌ها یی و وجود داشت و افراد

ابوشریف این تغییرات را تحمل

نمی‌کردند، ولی مدیریت آیت‌الله

خامنه‌ای توانسته بود این تنش‌ها

را کنترل کند و به ناهماهنگی‌ها

درون سپاه خاتمه دهد

تاریخ

کفت‌و‌گو ۸۸۴۹۳۸



فرمانده مدیر، مدبر و قاطع نیاز بود تا به این وضعیت خاتمه بدهد. نصب آیت‌الله خامنه‌ای واکنش‌های زیادی را در پی داشت و طیف ابوشریف و شخص آقای لاهوتی از این خبر شو که شدند و به‌شدت عکس‌العمل نشان دادند. آقای لاهوتی از مسئولان سپاه دعوت کرد و جمع‌کنبری از این مسئولان که حدود ۱۰۰ نفری می‌شدند، در نمازخانه ستاد مرکزی در خیابان پاسداران سلطنت‌یاد جمع شدند و قرار شد آقای لاهوتی سخنرانی کند. او گفت: نمی‌دانم این خبر را شنیدیم‌اید که آقای خامنه‌ای به عنوان نماینده امام

اینطور باشد اولین کسی که به درد نمی‌خورد، خود من هستم، چون طاقت چنین کاری را ندارم. این کار اصلاً معقول نیست». این مسئله بیشتر به این خاطر بود که آنها در خارج از کشور، و نظامی کار کرده بودند و کمتر به مسائل اخلاقی و عقیدتی توجه داشتند. شجاعت اینها واقعاً مثال‌زدنی بود. خود ابوشریف هم در صحنه‌های عملیاتی شرکت می‌کرد و واقعاً ترس به خودش راه نمی‌داد. در آن موقع هم جنگ‌های کلاسیک به‌خصوص در جنگ شهرها مطرح نبود و بیشتر جنگ‌های نامنظم کارایی داشت که واقعاً شجاعت می‌خواست، چون فرد باید داخل خطر می‌شد و پیه همه چیز را به خود می‌مالید. ضد انقلاب به جنگ‌های پارتیزانی کاملاً مسلط بودند و به تمام زوایای منطقه‌شان آشنایی داشتند و کمین می‌کردند. او درس طلبگی را تا ماکاسب خوانده بود و صحبت‌های وی تعجب کردم. یکسری از بچه‌های ساده سپاه که با ایشان از تباط داشتند، گریه می‌کردند و می‌گفتند: نه، ما نمی‌گذاریم! بعد از پایان جلسه من و برخی دیگر به عنوان اعتراض به این صحبت‌ها به سراق آقای لاهوتی رفتم. به او گفتم: آقای لاهوتی سوابق و شخصیتان ایجاب می‌کند در اینگونه حوادث با مناتت و وزانت ویژه‌ای برخورد کنید. این نوع برخورد با جایگاه و شخصیت شما تناسبی ندارد. او عصبانی شد و تعریب ناچوری هم کرد و به شخصیت‌های انقلاب و مسئولان حزب جمهوری اسلامی توهین کرد. اینها علیه ما یکسری توطئه کرده‌اند. افرادی که هیچ اعتقادی به روحانیت ندارند، مثل همین جواد منصوری و محمدزاده که علیه من توطئه کرده‌اند. اینها مخالف آخوند و روحانی هستند. اگر اینجا بایند قلم پایشان را می‌شکنم. دیدم قضیه بدتر شد و هر چه می‌خواهیم اوضاع را تلطیف کنیم، نمی‌شود و بدتر اینکه توهین هم می‌کند.

■ **عزل آقای لاهوتی و انتصاب آیت‌الله خامنه‌ای**

شرایط کشور در آن زمان بسیار پیچیده بود. بنابراین سادگی‌های آقای ابوشریف و حضور گروه‌های مختلف در سپاه با اعتقادات، انگیزه‌ها و دیدگاه‌های متضاد بسیار خطرناک بود. امام با درک صحیح این مسائل ادامه این وضعیت را در سپاه به صلاح ندانستند، به همین دلیل آقای لاهوتی را از نمایندگی‌شان عزل و آیت‌الله خامنه‌ای را به‌جای او منصوب کردند. از آنجا که احزاب و گروه‌ها با سلیقه‌های مختلف در سپاه مشکلاتی را به وجود آورده بودند، لذا یک



می‌روید؟» جواب دادند: «برای طرح خواسته‌هایمان خدمت امام می‌رویم». به آقای گرامیان که کارهای تبلیغاتی سپاه را انجام می‌داد، گفتم: «اگر اینجا پیش اسام بروند این مسئله به اسم ما هم تمام می‌شود. پس ما هم همراه اینها برویم و اعلام کنیم با اینها همصدا نیستیم». ایشان هم پذیرفت و ما هم سوار شدیم. شب را در مسجد محمدیه قم به صبح رساندیم. آقای خطیبی و دوستان ابوشریف گفتند: «ما به امام خواهیم گفت فقط آقای لاهوتی را می‌پذیریم و شما نباید فرد دیگری را منصوب کنید». گفتم: «طرح خواسته‌بسه این شکل از امام نه معقول است و نه مشروع. نمی‌توان به امام تکلیف کرد شخص خاصی را نصب کند، بهتر است یک پیش‌نویس آماده کنیم و اگر همه موافق بودید و امضا کردید آن را خدمت اسام ارائه می‌کنیم». من و آقای گرامیان در آن پیش‌نویس اینگونه طرح مطلب کردیم که اگر چه جمع حاضر اغلب به آقای لاهوتی علاقه‌مندند، اما همه مطیع امر خضر تعالی هستند. آنها این متن را نپسندیدند و گفتند ما می‌خواهیم آقای لاهوتی باشد. در حالی که همه حاضر می‌شدیم خدمت امام برسیم اخبار رادیو اعلام کرد امام تمامی ملاقات‌هایش را لغو کرده است و کسی را به حضور نمی‌پذیرد. مثل اینکه خبر به امام رسیده بود و ایشان برای اینکه تنش و چالشی ایجاد نشود ملاقات‌هایشان را لغو کردند، ولی این جمع متقاعد نشدند و گفتند: باید

د

در آذرماه ۱۳۵۸، امام خمینی طی حکمی با عزل حجت‌الاسلام

شیخ حسن لاهوتی از نمایندگی

خود در سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی، آیت‌الله سیدعلی

خامنه‌ای را به جای وی منصوب

کردند. اندکی بعد شورای انقلاب

نیز طی حکمی ایشان را به

سرپرستی این نهاد برگزید. از

دستاوردهای این دوره از مدیریت

سپاه، کاهش برخی جناح‌بندی

و چند دستگی‌ها در این نهاد

انقلابی بود که محصول مدیریت

پیش از ایشان به شمار می‌رفت

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۴۴۰۶

موضع سریع او که مدتی نمایندگی امام را در سپاه به عهده داشت، خیلی خلاف انتظار بود. در مجموع این قضیه برای آقای لاهوتی گران آمد و در موضع مخالف افتاد و بیمار شد و شرایط روحی بسیار ناچوری پیدا کرد که منجر به فوت ایشان شد.

■ **رفتارهای طرفداران آقای لاهوتی**

آیت‌الله خامنه‌ای با حکم امام به سپاه شریف آوردند. طرفداران آقای لاهوتی از این قضیه ناخوشود شدند و از ایشان خواستند به یادگان ولی‌عصر محل نیروهای عملیاتی سپاه بیاید و به اعتراضات آنها پاسخ دهد. در مسیر آمدن ایشان آنها سر و صدا و شلوغ کاری کردند، اما ایشان سریع متوجه شد و به من فرمود به سمتشان بروم. من هم رفتم و ایشان به آنها گفت: چون الان شرایط صحبتیم فراهم نیست و شما هم در این فرصت نمی‌توانید مطالبتان را بیان کنید، پس بهتر است هر سؤال یا اشکالی دارید بنویسید و به ایشان -اشاره به من- بدهید و من پاسخ آنها را به ایشان می‌گویم تا به شما منتقل کند. آنها هم این کار را کردند. سوالات را جمع کردم. ایشان هم پس از توقف کوتاه در دفتر یادگان به طرف ستاد مرکزی سپاه حرکت کردند و من هم در معیت ایشان بودم. در ماشین فرمود سوالات را برایشان بخوانم و گفتند: لازم نیست جواب‌ها را کتبی بنویسید، همین‌طور شفاهی در دهنتان باشد و به عنوان نظر من اعلام کنید. وقتی به ستاد مرکزی رسیدیم ایشان پیاده شد و همان ماشین مرا به یادگان برگرداند. وقتی برگشتم هنوز جمعیت نمازخانه متفرق نشده بودند. به آنها اعلام کردم پاسخ‌های آقای خامنه‌ای را آورده‌ام. آنها هیاهو کردند و من گفتم: اگر کسی پاسخ می‌خواهد باید سکوت را رعایت کند. سوالات را همراه پاسخ‌هایشان مطرح کردم و جمع زیادی متقاعد شدند و بقیه هم چون فضا را برای اعتراض مناسب ندیدند، سکوت کردند.

■ **تغییرات در سپاه توسط آیت‌الله خامنه‌ای**

آن زمان سپاه به صورت شورایی اداره می‌شد، یعنی مجموعه افرادی که واحدها و قسمت‌های مختلف سپاه را مدیریت می‌کردند، شورای فرماندهی سپاه را تشکیل می‌دادند. آیت‌الله خامنه‌ای تغییراتی را در سپاه ایجاد کرد، از جمله در کادر فرماندهی و شورای فرماندهی آن جابه‌جایی‌های صورت داد. آقای محسن رضایی مسئول اطلاعات سپاه، ابوشریف فقط مسئول عملیات آن و آقای جواد منصوری جایگزین آقای بشارتی در مسائل فرهنگی سپاه شد. مسئولیت



در بهمن ۱۳۵۸،عصر علوی تهران-حجت‌الاسلام حسن لاهوتی آشکوری در کنار آیت‌الله شیخ حسن خمینی منتظری

روابط عمومی سپاه به عهده آقای فروتن بود که به آقای سیدمهدی هاشمی سپرده شد و او هم بعد از مدت کوتاهی رفت و مسئول واحد نهضت‌های سپاه شد و مسئولیت روابط عمومی به سیدمسعود جزایری که اکنون از سرداران سپاه است، منتقل شد. بعد از آن هم مدتی آقای میلغ این مسئولیت را به عهده داشت. آقای فروتن هم مسئول ارتباطات سپاه و آقای داودی شمسی مسئول امور اداری و مالی سپاه شد. آقایان کلاهوز و دیگران هم عهده‌دار مسئولیت‌های دیگری شدند که عناوینشان خاطر من نیست. ابوشریف اعلام شد از این به بعد فقط در بخش عملیات آن هم زیر نظر خود آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر نمایندگی امام فرماندهی سپاه را نیز به عهده داشتند، فعالیت کند.

البته کم و بیش تنش‌هایی وجود داشت و افراد ابوشریف این تغییرات را تحمل نمی‌کردند، ولی مدیریت آیت‌الله خامنه‌ای توانسته بود این تنش‌ها را کنترل کند و به ناهماهنگی‌ها درون سپاه خاتمه دهد. در این دوره مسئولیت بخش عقیدتی - سیاسی نیروهای عملیاتی در یادگان ولی‌عصر(عج) را عهده‌دار بودم و علاوه بر مدیریت این بخش روابط عمومی یادگان را هم اداره می‌کردم و به‌رغم همه مشکلات برای تدریس هم می‌رفتم و با موتور خودنایی که در اختیارم بود به آموزش نیروهای داخل یادگان ولی‌عصر و نیروهای مستقر در اوین و خلیج می‌پرداختم.

روزانه ۵، ۶۰ کیلومتر راه را برای آموزش این بخش‌ها طی می‌کردم. اندکی که مشکلات کاهش یافت فرصتی شد تا من هم در کلاس‌هایی که در مسجد نارمک برگزار می‌شد شرکت کنم، مثلاً آقای دکتر شهیدی کلاس تاریخ اسلام داشت، آقای محی‌الدین حلّری شیرازی در همان جا اعتقادات و آقای مجتبی تهرانی هم در منزل خود کلاس‌های اخلاق را برگزار می‌کردند و من و دیگران از آنها بهره‌مند می‌شدیم.